

حق مؤلف

استفاده منصفانه، در جهانی که برای هر استفاده‌ای باید بها پرداخت^۱

نوشته گلن ام. سکر^۲

ترجمه دکتر مرتضی کوبی^۳

چکیده

این مقاله، ماهیت بنیادی حق مؤلف را در جایگاه دانشگاهی و به‌ویژه، استفاده منصفانه به منظور دانشوری مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده، نخست ارتباطات علمی و استفاده منصفانه در محیط چاپی را می‌آزماید و نتیجه می‌گیرد که اولی به طرز فزاینده‌ای ناکافی و غیرمؤثر است و دومی، در بهترین حالت، آموزه حقوقی سردرگمی بیش نیست. اوسپس فناوری پرداخت در برابر استفاده و دشواری‌های بالقوه مطرح در جهان پرداخت در برابر مشاهده را پیش می‌کشد. در حالی که فناوری‌های جدید، مانند فناوری پرداخت در برابر استفاده، برخی جنبه‌های ارتباطات علمی را بهبود می‌بخشد می‌تواند مانع استفاده منصفانه نیز بشوند. نویسنده، پاسخ‌های حقوقی بالقوه به محدودیت فناوری استفاده منصفانه، از جمله تکامل استفاده منصفانه از شکل دفاع قانونی به شکل حق قانونی را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها

حق مؤلف، استفاده منصفانه

مقدمه

از حق مؤلف، حداقل در حال حاضر، نقش عمده و مستقیمی در کار شرکت ینکی بوک پدلر^۴ بازی نمی‌کند. ما، در کتاب‌هایی که می‌فروشیم دارای هیچ حقوقی نیستیم و این

از من خواسته شد تا مقاله‌ای ارائه کنم که دیدگاه ناشر/کارگزار را در مورد حق مؤلف بیان کند. واقعیت این است که دفاع

1. "Copyright: Fair use in a pay-per-use world"

2. Glen M. Secor

۳. دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز kokabi80@yahoo.com

4. Yankee Book Peddler

حقوق، در معاملات ما با ناشران و کتابخانه‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند. اگر ما به‌سوی تحویل پیوسته^۵، چاپ برحسب درخواست، و انتشار تک‌نگاشت‌های علمی برپایه درخواست مشتری حرکت کنیم، که تصور می‌کنم خواهیم کرد، در این صورت، حقوق، نقشی مستقیم‌تر در کار ینکی بوک بازی خواهند کرد. این امر، به این معنا نیست که من به‌گونه‌ای منفعل به قانون حق مؤلف می‌نگرم. هر کسی که در ارتباطات علمی درگیر است، حتی اگر مالک یا استفاده‌کننده آثار دارای حق مؤلف نباشد، باید نگران قانون حق مؤلف و اینکه این قانون به کدام سو می‌رود باشد. افزون بر این، به عنوان یک آموزگار و مشاهده‌گر قانون انتشارات و اطلاعات، بحث کنونی درباره حق مؤلف، و به‌ویژه استفاده منصفانه را برای آینده خط‌مشی اطلاعات و دانشوری در این کشور، حیاتی می‌یابم.

هدف این مقاله، ابراز نظر درباره این نیست که حق مؤلف در جهان دیجیتال، محلی از اعراب دارد یا نه. انتشارات مربوط به طرز فزاینده‌ای از چنین دیدگاه‌ها و پیش‌گویی‌هایی انباشته شده‌اند، آثاری که تعداد زیادی از آنها فکر را می‌برانگیزند. این مقاله، به جای آن، بر برخی جنبه‌های قانونی و عملی استفاده منصفانه دانشگاهی در عوالم چاپی و دیجیتال تأکید می‌ورزد. بخش دوم، ارزیابی کوتاهی از ارتباطات علمی و استفاده منصفانه دانشگاهی در محیط چاپی، همراه با فرصت‌های ارائه شده توسط فناوری‌های جدید برای بهبود یا تثبیت برخی از مشکلات موجود است.

بخش بعدی، فناوری پرداخت در برابر استفاده و نیز، سناریوی پرداخت در برابر استفاده را مطرح می‌کند که در آن، استفاده منصفانه را می‌توان بررسی کرد. بخش پایانی، ماهیت استفاده منصفانه و راه‌های حفظ آن را در جهان پرداخت در برابر استفاده می‌آزماید. در این مقاله، استفاده منصفانه به عنوان یک حق قانونی قابل اجرا، تا دفاعی در برابر پیمان کردن حق مؤلف، مورد توجهی ویژه واقع شده است.

استفاده منصفانه در محیط چاپی

"ناشران درباره راه‌حلی بحث می‌کنند که بیشترین منفعت اقتصادی را برای دارندگان حق مؤلف داشته باشد؛ کتابداران هم برای ایجاد محیطی مجادله می‌کنند که بیشترین انعطاف را برای تشریک و استفاده از اطلاعات فراهم آورد؛ و فن‌ورزان برای محیطی تبلیغ می‌کنند که در آن، نفس فناوری، صرف نظر از پیامدهای اقتصادی یا دسترسی، شکوفا شود" (۲). این ارزیابی از منافع شخصی در حال رقابت که در بحث پیرامون حق مؤلف در محیط رقمی جریان دارد، و به وسیله جری کمبل، که در آن زمان کتابدار دانشگاهی دانشگاه دوک بود، ارائه شده دقیق اما ناقص است. من به سیاهه کمبل، قانون‌پرستان را اضافه می‌کنم که درباره وکلای حق مؤلف و کارگزاران دولتی است که منافعشان در حفظ وضع قانونی موجود، و در نتیجه، حفاظت از وابستگی به معلومات خودشان است. هرکس مایل است باور داشته باشد که میان

این منافع رقیب، سازشی متوازن برقرار خواهد شد که خط‌مشی اطلاعاتی صحیحی را نشان می‌دهد. قانون حق مؤلف، به‌ویژه از طریق دیدگاه استفاده منصفانه، به ما کمک می‌کند تا به چنین توازنی دست یابیم. متأسفانه، قانون استفاده منصفانه به‌گونه‌ای که امروزه وجود دارد ممکن است اقتصاد ارتباطات علمی را به انحراف بکشانند. افزون بر این، پیچیدگی و غیر قابل پیش‌بینی بودن آن، کارآیی و کاربرد اجتماعی آن را محدود می‌کند.

اقتصاد استفاده منصفانه دانشگاهی

بحث مفصل پیرامون اقتصاد استفاده منصفانه، از محدوده این مقاله خارج است. جورجیا هارپر، وکیل دانشگاه تگزاس، واقعیات اقتصادی و آینده استفاده منصفانه را در مقاله عمیقش با نام "آیا ما در قرن بیست و یکم به استفاده منصفانه نیاز داریم؟" (۸: ۱۹۵)، مورد بحث قرار می‌دهد. هارپر که بنا به ماهیت حرفه‌اش هم کتابخانه‌ها و هم انتشارات دانشگاهی را نمایندگی می‌کند، در مقاله‌اش چشم‌اندازی دلپذیر و متوازن را به تصویر می‌کشد و در مقاله‌اش استدلال می‌کند که استفاده منصفانه رایگان نیست، زیرا نسخه‌برداری و امانت بین کتابخانه‌ها در محیط دانشگاهی، هزینه‌های عمده مستقیم و غیرمستقیمی در بردارد که شامل هزینه‌هایی می‌شود که مستقیماً به نسخه‌برداری و امانت بین کتابخانه‌ها مربوط است! و تأثیر استفاده بلاعوض بر قیمت‌های کتاب و نشریات را نیز در این هزینه وارد می‌کند (۸: ۱۹۹-)

۲۰۰). چه بپذیریم که استفاده افزایش‌یافته از امانت بین کتابخانه، علت یا معلول بهای گران‌تر مجلات است و چه نپذیریم، هزینه‌های معاملات مربوط به تکثیر و امانت بین کتابخانه‌ها در محیط دانشگاهی، آشکارا وجود دارند. اینها هزینه‌های پنهان استفاده منصفانه هستند. هارپر تکثیر و امانت بین کتابخانه‌ها را هزینه‌بر و ناکافی می‌داند. او استدلال می‌کند که پولی که در حال حاضر به این فعالیت‌ها اختصاص می‌یابد بهتر است برای خدمات پیشرفته‌تر تحویل و سایر خدمات ارزش افزوده، به ناشران الکترونیکی پرداخت شود. فرایند کسب اجازه، علی‌رغم اینکه کار سازمان‌هایی مانند مرکز ترخیص حق مؤلف^۷ و انجمن ناشران آمریکایی^۸ است بسیار خسته‌کننده و ناکافی است (۸: ۱۹۹-۲۰۰). انگیزه‌ها برای اینکه هر استفاده‌ای، استفاده منصفانه به حساب آید و پرهیز از درد سر و هزینه کسب اجازه بسیار بالاست.

بخش پایانی مقاله هارپر به استفاده منصفانه به عنوان استفاده بدون اجازه و بدون حق‌التألیف می‌پردازد. ما باید همپای پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی، از فرصت‌های موجود برای کارآتر ساختن ارتباطات علمی و از جمله فرایندهایی که در حال حاضر توسط تکثیر و امانت بین کتابخانه انجام می‌شود، استفاده کنیم. همان‌گونه که هارپر پیشنهاد می‌کند منطقی است که برای خدمات ارزش افزوده‌ای که به این کارآیی منجر می‌گردد به تهیه‌کنندگان اطلاعات، پول پرداخته شود. با این حال، تأکید این مقاله بر پرداخت برای

خود آثار در طرح‌های پرداخت در برابر استفاده است. در نتیجه، این مقاله می‌پذیرد که استفاده منصفانه، استفاده بدون اجازه و بدون حق‌التألیف است.

تأثیر قانونی استفاده منصفانه

استفاده منصفانه، به شکلی که توسط قوانین مقرر و موضوعه ارائه می‌شود، فاقد برخی معیارهای اساسی یک قانون خوب است. قوانین مؤثر، باید قابل فهم باشند و باید راهنمایی منطقی و واضح درباره رفتار مقبول و نامقبول ارائه کنند. قانون موضوعه استفاده منصفانه، به‌ویژه آزمون "چهار عامل" مربوط به قسمت ۱۰۷ (۱۲)، به قدری مبهم است که نمی‌تواند افراد را راهنمایی کند. مواردی که قسمت ۱۰۷ را تفسیر می‌کنند (۱۳)، از جمله تصمیمات اخیری که درباره تکزاکو^۹ گرفته شد (۱)، بیش از آنکه پاسخ‌دهنده باشد پرسش‌برانگیز است (۶).

حالت قانونی استفاده منصفانه برای مقاصد پژوهشی، پس از تکزاکو، به‌ویژه در محیط دانشگاهی، بسیار نامتعیین است (۵). مورد تکزاکو سرانجام به ماهیت سیستمی و بایگانی نسخه‌برداری (عامل ۱) و در دسترس بودن سازوکارهای منطقی و قابل تهیه کسب اجازه (عامل ۴) تبدیل شد. پژوهش در محیط دانشگاهی، اغلب متضمن تهیه نسخه‌های بایگانی است. همان سازوکارهای کسب اجازه که برای موجودیت‌های تجاری در دسترس است برای نهادهای علمی نیز دسترس‌پذیر است و فناوری پرداخت در برابر استفاده به

سرعت پیش می‌رود (بخش زیر را ببینید). آیا ماهیت غیرانتفاعی دانشگاه این امر را کنترل می‌کند یا تحلیلی ژرف‌تر در مورد تکزاکو لازم است؟ آیا هر نسخه‌برداری سیستماتیک و بایگانی می‌تواند استفاده منصفانه باشد؟ آیا بین اینکه بودجه پژوهش دانشگاهی از طریق منبعی تجاری تأمین شود یا اینکه خود پژوهش، پیامدی تجاری داشته باشد تفاوتی وجود دارد؟

این‌گونه پرسش‌ها می‌تواند به وسیله قانون‌گذاری یا طرح دعوی پاسخ داده شود. اما برخی موارد تاکنون به وسیله قوانین مقرر و موضوعه بی‌جواب مانده‌اند. طفره رفتن‌ها از قانون حق مؤلف، همراه با مشکلات اقتصادی و مربوط به دسترسی به مواد، نظام ارتباطات علمی ما را در مورد آثار چاپی، نابود ساخته‌اند. این نظام، نامتوازن و ناکافی است. منفعت اجتماعی که هدف نهایی حق مؤلف و دانشوری است در شرایط کنونی به‌طور کامل انجام نمی‌شود.

بیم و امید فناوری

بسیاری از موضوعات مربوط به استفاده منصفانه در جهان چاپی، ممکن است با طرح دعوی به سرانجام برسد. اینکه معادل دانشگاهی تکزاکو هنوز آشکار نشده است به این معنی نیست که هرگونه نسخه‌برداری پژوهشی در دانشگاه‌ها لزوماً استفاده منصفانه است. عدم تمایل ناشران نسبت به تعقیب قانونی استفاده‌کنندگان دانشگاهی قابل‌درک است. اقدام در مورد نقض حق مؤلف در

نسخه‌برداری دانشگاهی احتمالاً از نظر سیاسی ناخوشایند، بسیار پرهزینه، و دارای نتیجه‌ای نامعین خواهد بود. اما در حالی که تک‌زاکو را در پشت سرمان داریم نباید احتمال چنین تعقیبی را فراموش کنیم.

حتی اگر دعوی استفاده دانشگاهی از آثار چاپی هرگز طرح نشود، فناوری احتمالاً در راه‌هایی گسترش خواهد یافت که ما را وادار می‌کند تا استفاده منصفانه دانشگاهی را مورد آزمایش قرار دهیم. فناوری این توان را دارد که توزیع و تشریح اطلاعات را کارآتر، و اطلاعات را دسترس‌پذیرتر سازد.

اما توان اطلاعات الکترونیکی - اگر قانون، همپای آن تکامل نیابد - محدود خواهد شد. علی‌رغم اینکه عصر الکترونیک با نظام قضایی ناقص - یعنی قانونی که برای استفاده منصفانه از آثار چاپی طراحی شده است - آغاز شده است؛ ولی این تکامل آسان به دست نخواهد آمد. قانون، جهت آمادگی برای اطلاعات الکترونیکی (خواه از طریق حق مؤلف، قانون قرارداد (اعطاء امتیاز)، یا هر روش دیگری) توسعه خواهد یافت. نظام قانونی هر چه باشد موضوع استفاده منصفانه دانشگاهی از آثار الکترونیک باید هدف آن باشد. این امر، مستلزم آزمودن ماهیت و هدف حق مؤلف و استفاده منصفانه است. به این آزمودن نباید به عنوان یک خرده‌کاری نگریسته شود، بلکه آن را باید فرصتی عالی برای حل برخی مشکلات ساختاری که امروزه ارتباطات علمی را با دشواری روبه‌رو می‌سازند تلقی کرد.

سناریوی را مجسم کنید که در آن ...
این مقاله درباره فناوری نیست و درباره آینده فناوری اطلاعات و یا چگونگی پیشرفت آن پیش‌گویی نمی‌کند، بلکه یکی از احتمالات، یعنی پرداخت در برابر استفاده از طریق فناوری رمزگذاری و اندازه‌گیری را مطرح می‌کند؛ و این مثالی است در مورد اینکه چگونه فناوری ما را، به عنوان یک جامعه، وادار خواهد ساخت که درباره استفاده منصفانه دانشگاهی تصمیماتی اتخاذ کنیم. برای ادامه بحث، فرض کنید که فناوری‌های رمزگذاری، اندازه‌گیری، و اعطای امتیاز/پرداخت الکترونیکی به گونه‌ای رشد یابند که پرداخت در برابر استفاده برای اطلاعات الکترونیکی به سادگی اجراء و به طور گسترده‌ای استفاده شود. باز هم فرض کنید که این فناوری‌ها به گونه‌ای به کار روند که راه برخی از کاربردها را که ممکن است استفاده منصفانه توصیف شوند مسدود سازند. به سخن دیگر، مجسم کنید انسان با شرایطی رو به رو شود که در آن، دسترسی و استفاده از اطلاعات، مستلزم کسب اجازه یا پرداخت حق‌التألیف باشد حتی اگر استفاده منصفانه توصیف شود، پاسخ قانونی و حرفه‌ای به چنین موقعیتی چه خواهد بود؟

این موقعیت چگونه عمل می‌کند؟

پیش از پاسخ به این پرسش، بهتر است فناوری اعطای امتیاز و مدیریت حق مؤلف الکترونیکی را به‌طور خلاصه توصیف کنیم. هدف در اینجا به هیچ وجه، نشان دادن وضعیت کنونی نیست، بلکه منحصراً، توصیف برخی

فناوری‌هایی است که در انتشارات معاصر، مورد بحث قرار گرفته‌اند. و باز هم یادآوری می‌کنیم که منظور، تصدیق این فناوری یا پیش‌گویی میزان گستردگی کاربرد آن نیست. در قلب چنین فناوری‌هایی، رمزگذاری اطلاعات وجود دارد همراه با کلیدهای رمزگشایی که تنها از طریق تکمیل عملیات کسب اجازه می‌توانند رد و بدل شوند (۳). "پاکت نرم‌افزار" که اطلاعات، در آن بسته‌بندی می‌شود، ممکن است اجازه دیدن اطلاعات را بدهد، اما اجازه ویراستاری یا استخراج را نمی‌دهد (۷). بایگانی رمزگذاری، دارای یک "سرفه" اجازه یا اعطای امتیاز خواهد بود که مالک حق مؤلف، کاربردهای مجاز، و شرایط اعطای امتیاز را در آن مشخص می‌کند (۱۴). در مورد کاربردهایی که این چنین توسط مالک حق تألیف، مشخص شده، یک حق امتیاز متعامل، با استفاده از یک خدمتگزار حق امتیاز می‌تواند برای استفاده درخواستی اجرا شود (۱۱). مهلت کلید رمزگشایی که به عنوان بخشی از حق امتیاز داده شده ممکن است به‌طور خودکار پس از چند روز یا چند بار استفاده، به پایان رسد (۷).

"سرفه" اجازه می‌تواند برای کاربردهای بدون اجازه و بدون پرداخت حق‌التألیف تمهیداتی فراهم کند یا می‌تواند به‌گونه‌ای سازمان یابد که برای همه موارد استفاده، درخواست اجازه یا درخواست پرداخت فراهم کند. سرفه اجازه حتی می‌تواند دارای یک "قالب" استفاده منصفانه" باشد که بر پایه هویت استفاده‌کننده و ماهیت

استفاده، استفاده‌های بدون اجازه را ممکن سازد (۴). اما این سؤال مطرح می‌شود که استفاده منصفانه چگونه در یک قالب می‌تواند تعریف شود. آیا مالکان حق‌التألیف، بر پایه مورد تکزاکو یا هر استاندارد دیگری، روشی فرمولی در پیش می‌گیرند؟ اگر چنین باشد چگونه متغیرهای مورد نظر در دادگاه تکزاکو را می‌توان به نوعی پرسشنامه متعامل قابل کنترل ترجمه کرد؟ آیا همه نسخه‌برداری‌های دانشگاهی، همان‌گونه که در سطح کاربر مشخص شده‌اند استفاده منصفانه تلقی می‌شوند؟ آیا قالب، سعی می‌کند منبع مالی و کاربرد پژوهش (تجاری یا غیرتجاری) یا ویژگی ظاهری نسخه‌برداری (بایگانی یا غیربایگانی) را شناسایی کند؟ همان‌گونه که در بالا بحث شد تعریف قانونی استفاده منصفانه، دقیق نیست و در مورد نسخه‌برداری دانشگاهی هنوز آزموده نشده است. قالب استفاده منصفانه الکترونیکی باید بی نیاز از توضیح و به‌طور منطقی ساده باشد تا در محیط پیوسته اعطای امتیاز سودمند واقع شود. با توجه به پیچیدگی قانون جدید استفاده منصفانه، تصور فرم ساده‌ای برای این کار دشوار است.

استفاده منصفانه دقیقاً چیست؟

به منظور ادامه بررسی پاسخ‌های احتمالی دانشگاهی به طرح‌های پرداخت در برابر استفاده، فرض کنید که سرصفحات اجازه، عموماً گزینه‌ای برای کسب اجازه یا استفاده بدون پرداخت حق‌التألیف ارائه نمی‌کنند. به سخن دیگر، فرض کنید که همه کاربران به

منظور استفاده از اطلاعات، حتی اگر استفاده، منصفانه باشد، مجبور باشند پولی پرداخت کنند. اینکه دانشگاه‌ها چگونه به این وضعیت پاسخ می‌دهند یا باید بدهند به میزان وسیعی به این بستگی دارد که ما چگونه ماهیت و هدف استفاده منصفانه را در نظر می‌گیریم. ما نیازمندیم اهداف اجتماعی استفاده منصفانه را به همراه واقعیات قانونی و اقتصادی آن در نظر آوریم.

حق قانونی یا دفاع قانونی؟

ما اغلب از "حق استفاده" سخن می‌گوییم اما این دقیق نیست. استفاده منصفانه، به‌طور فنی به عنوان دفاعی در برابر تضييع حق مؤلف و نه به‌عنوان حقی که بتواند به سبب خودش ادعا شود (یعنی چیزی به غیر از پاسخ به ادعای تخلف) عمل می‌کند. قسمت ۱۰۶ (۴)، انحصار حق مؤلف را نشان می‌دهد. قسمت‌های ۱۰۷-۱۲۰، استثناهایی برای این انحصار قائل می‌شوند. قسمت ۱۰۷ بیان می‌دارد که "علی‌رغم مقررات قسمت‌های ۱۰۶ و ۱۰۶ A ... استفاده منصفانه از یک اثر دارای حق مؤلف، شامل کاربردهایی به‌وسیله تکثیر نسخ ... برای مقاصدی مانند نقد، اظهارنظر، گزارش اخبار، آموزش (شامل نسخ متعدد برای استفاده در کلاس، دانشوری، یا پژوهش) نقض حق مؤلف نیست" (تأکید از سوی نویسنده افزوده شده است).

توجه کنید که قسمت ۱۰۷ حقی برای استفاده منصفانه، تضمین نمی‌کند، بلکه منحصراً اشعار می‌دارد که استفاده منصفانه، نقض حق

مؤلف نیست. نقض حق مؤلف، یعنی دسترسی به آثار دارای حق تألیف و تخطی نسبت به یکی از حقوق انحصاری. اما اگر استفاده و تکثیر آثار، حتی برای مقاصد مطرح‌شده در قسمت ۱۰۷، از نظر فنی بدون عملیات اخذ پروانه یا پرداخت حق‌التألیف، غیرممکن باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ قانون حق مؤلف و استفاده منصفانه در دو دهه گذشته با فناوری‌هایی که نسخه‌برداری را آسان‌تر می‌سازند درگیر بوده است. بیشتر بحث مربوط به حق مؤلف در جهان الکترونیکی، بر سهولت باور نکردنی تکثیر و تشریک آثار رقمی متمرکز بوده است. انسان چگونه می‌تواند با فناوری‌هایی که نسخه‌برداری بدون اجازه صریح را دشوارتر می‌سازند برخورد کند؟ پاسخ احتمالی به پرداخت در برابر استفاده، فناوری‌های معادل برای ضربه زدن به طرح‌های رمزگذاری است. صنایع تلویزیون کابلی و ماهواره‌ای در دو دهه گذشته، در چرخه‌ای از فناوری‌های کم و بیش پیش‌رونده گرفتار بوده‌اند. آیا آینده اطلاعات علمی، با کاربران اطلاعاتی که در جست‌وجوی راه‌هایی برای رخنه در فناوری‌های رمزگذاری و حفاظت هستند، نیز چنین نخواهد بود؟ مطمئناً همه آرزو می‌کنیم که بین تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان اطلاعات علمی جنگی فناورانه رخ ندهد. اگر چه بررسی اینکه "رخنه در اطلاعات" در دانشگاه، از نظر قانون چگونه دیده می‌شود، جالب خواهد بود.

موضوع فناوری شکست حفاظت، هم در لایحه ۱۹۹۱ محاسبه با کارایی بالا^{۱۱} (که در این مقاله، از این پس اچ. پی. سی. ای نامیده

می‌شود) و هم در گزارش دولتی نیروی کار زیرساخت اطلاعاتی^{۱۲} درباره حقوق مالکیت ذهنی مورد بحث قرار گرفته است (۹). ا.چ. پی. سی. ای. به هنگام بحث درباره حفاظت از حقوق مالکیت ذهنی بر روی شبکه ملی پژوهش و آموزش (ان. آر. ایی. ان)^{۱۳}، اظهار می‌دارد که ان. آر. ایی. ان باید به گونه‌ای طراحی و عمل شود که کاربرد مداوم قوانینی که معیارهای ایمنی شبکه و منابع اطلاعاتی، از جمله قوانینی که حق مؤلف و سایر حقوق مالکیت ذهنی ... را حفاظت می‌کنند، تأمین شوند"^{۱۴} (۱۰). این شرط، مستقیماً به قانون حق مؤلف یا رفتار فردی نمی‌پردازد، بلکه تنها ملزوماتی برای پیشبرد شبکه تعیین می‌کند. "گزارش دولتی"، در حالی که مشخصاً قانون حق مؤلف را مد نظر دارد، نکات ذیل را پیشنهاد می‌کند:

"در لایحه حق مؤلف فصل جدیدی - فصل ۱۲ - ایجاد شود تا از عمل وارد کردن، ساخت یا توزیع هر وسیله یا محصول، یا فراهم سازی هر خدمتی که هدف یا تأثیر اولیه آن، خنثی سازی بدون اجازه مالک حق مؤلف یا قانون است و نیز هرگونه محافظت فناوریانه‌ای است که از تجاوز نسبت به حقوق جامع تحت قانون حق مؤلف، پیشگیری یا جلوگیری می‌نماید، ممانعت کند... (و اینکه) لایحه حق مؤلف، اصلاح شود تا از انتقال یا تغییر غیر مجاز اطلاعات مربوط به روش اداره حق مؤلف، جلوگیری ... کند (۱۵). در اینجا نخستین ممانعت، به عمل

واردسازی، ساخت یا توزیع فناوری خنثی‌سازی، و نه استفاده از این فناوری، مربوط می‌شود. به نظر نمی‌رسد که این عبارت، نفس عمل رخنه در اطلاعات را شامل شود. حتی اگر استفاده از فناوری خنثی‌سازی ممنوع می‌شد باز هم گفته می‌شد که رخنه در اطلاعات، اگر منحصرأً برای استفاده منصفانه باشد (یعنی اطلاعات، پس از رخنه در آن، تنها مطابق با معیار استفاده منصفانه، به کار رود) مشمول [این امر] نمی‌شود، زیرا هیچ گونه تخطی نسبت به حقوق انحصاری تحت قانون حق مؤلف انجام نشده است. عبارت بازدارنده "انتقال" یا تغییر اطلاعات روش اداره حق مؤلف، مبهم‌تر است. اگر فناوری برای آسیب رساندن به یک سرصفحه کسب اجازه الکترونیکی، مورد استفاده قرار گیرد آیا این آسیب‌رسانی، انتقال یا تغییر غیرمجاز اطلاعات روش اداره حق مؤلف محسوب می‌شود؟

توجه کنید که در اینجا تأکید بر روش اداره اطلاعات حق مؤلف است نه خود اثر، و اینکه ممانعت از تغییر یا انتقال اطلاعات روش اداره است و نه تخطی از حق مؤلف. اطلاعات روش اداره حق مؤلف شامل این موارد است "نام و اطلاعات شناساننده دیگر مربوط به پدیدآور یک اثر، نام و اطلاعات شناساننده دیگر مربوط به مالک حق مؤلف، (و) شرایط و مقررات برای استفاده از اثر ... (۱۵) (تأکید از سوی نویسنده افزوده شده است). شرایط صریحی که اجازه و/یا پرداخت حق‌التألیف

12. Information Infrastructure Task Force White Paper

13. National Research and Education Network (NREN)

را درخواست می‌نمایند و با نوعی فناوری رمزگذاری یا اخذ اجازه پشتیبانی می‌شوند، شرایط و مقررات استفاده را تشکیل می‌دهند. بنابراین، به نظر می‌رسد رخنه در سرصفحه اجازه که انتقال یا تغییر حق مؤلف را موجب می‌شود، ذیل توصیه‌های "گزارش دولتی" (اگر ارزش صوری را در نظر بگیریم) جدای از هر تخطی از حق مؤلف و حتی اگر هیچ تخطی صورت نگیرد، یک تجاوز به شمار می‌رود.

در اینجا است که تمایز میان استفاده منصفانه به عنوان دفاع قانونی و حق قانونی اهمیت می‌یابد. اگر در قانون، استفاده منصفانه، اکیداً دفاعی در برابر حق مؤلف است، بنابراین، استفاده منصفانه، دفاعی در برابر رخنه منع شده در اطلاعات نیست. از رخنه در اطلاعات که بگذریم، کاربر نمی‌تواند تحت لوای "استفاده منصفانه"، اقدامی کند که مالک حق مؤلف را وادار به تمهید استفاده بدون اجازه یا بدون پرداخت حق التألیف نماید. قسمت ۱۰۷ مانند لایحه آزادی اطلاعات عمل نمی‌کند و نمی‌توان آن را برای دستیابی اجباری به اطلاعات به کار برد. اگر استفاده منصفانه، یک حق بود در آن صورت، ممکن بود که استفاده منصفانه، تنها توجیهی قانونی برای رخنه در اطلاعات نباشد، بلکه می‌توانست وظیفه‌ای اثباتی بر مالکان حق مؤلف تحمیل کند تا اجازه استفاده منصفانه را بدهند. این وظیفه ممکن است شامل یک منع قانونی علیه فناوری باشد که از استفاده منصفانه جلوگیری می‌کند. با توجه به قالب استفاده منصفانه، ممکن است قانون الزام کند

که چنین قالبی در هر طرح پرداخت در برابر استفاده گنج‌انیده شود یا حتی برخی شرایط را برای این قالب اجباری نماید.

مالکان آثار دارای حق مؤلف هرگز نتوانسته‌اند آن آثار را در بازار وارد و استفاده و تکثیر آنها را عملاً کنترل کنند. برخی استدلال می‌کنند که فناوری‌هایی که در بالا مورد بحث قرار گرفتند حتی چنین توانایی‌ای را نیز فراهم نمی‌کنند؛ اما به خاطر اهداف این مقاله، فرض کنید که قادر به چنین کاری هستند. پرداخت در برابر استفاده می‌تواند تا آنجا پیش رود که هر گونه دسترسی و استفاده الکترونیکی مستلزم اجازه و/یا پرداخت باشد. فناوری می‌تواند برای مالک حق مؤلف، حفاظت و کنترلی فراتر از آنچه که قانون حق مؤلف آورده است فراهم کند. توازن بدون نقطه اتکای میان مالکیت و دسترسی به یک اثر دارای حق مؤلف، که برای سودمندی عمومی برقرار می‌شود و در آن، استفاده منصفانه عنصری کلیدی است، در اینجا می‌تواند بر هم خورد.

قانون هرگز ناچار نبوده است که برای استفاده منصفانه به عنوان یک حق قابل اجرا چاره‌ای بیندیشد، زیرا توانایی کاربران برای دسترسی به آثار دارای حق مؤلف و سپس استفاده از آن آثار، هرگز موضوعیت نداشته است. اگر بحثی ایجاد شده، پس از استفاده از اثر و هنگامی که مالک حق مؤلف ادعای تجاوز به حق خود را نموده، بوده است. اما اگر همه کاربران درخواست اجازه و/یا پرداخت را نمایند، حتی برای استفاده‌هایی که از حقوق انحصاری حق مؤلف تخطی

نمی‌کنند، در این صورت، هیچ نوع تخطی از حق مؤلف امکان پذیر نخواهد بود و دفاع از حق مؤلف، هرگز رخ نخواهد داد. در چنین موقعیتی اگر استفاده منصفانه باید با اجازه باشد باید به عنوان یک حق از سوی کاربر ادعا شود. این حق می‌تواند به وسیله از کار انداختن فناوری پرداخت در برابر استفاده یا از طریق اقدام قانونی برای وادار ساختن مالک حق مؤلف به دادن اجازه استفاده اعمال شود.

باید آگاه باشیم که دسترسی به آثار برای مقاصد استفاده منصفانه می‌تواند به وسیله ابزارهای فناوری ممانعت شود. در حال حاضر، قانون برای استفاده منصفانه‌ای که بتواند بر علیه یک مالک حق مؤلف اظهار شود حق قطعی فراهم نمی‌کند. اگر استفاده منصفانه قرار است از دیدگاه اجتماعی به عنوان یک مطلوب به کار خود ادامه دهد و اگر قرار است در ایجاد توازن منافی که در قانون حق مؤلف تجسم یافته است نقشی بازی کند پس ممکن است نیازمند ایجاد حقی قانونی برای استفاده منصفانه باشیم. توصیه‌های مربوط به شکل این قانون و اینکه چگونه باید اجرا شود در محدوده این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه

در جهان چایی، استفاده منصفانه، از دید قانونی و اقتصادی به‌طور مؤثر عمل نمی‌کند. فناوری می‌تواند به کارآترسازی ارتباطات علمی کمک کند، ممکن است توازن میان مالکیت و دسترسی را که در قانون حق مؤلف

تجسم یافته است نیز بر هم زند. فناوری پرداخت در برابر استفاده می‌تواند به گونه‌ای توسعه یابد که هرگونه استفاده رایگان، از آثار دارای حق مؤلف، حتی استفاده‌هایی را که می‌توان منصفانه نامید غیرمجاز کند. قانون اطلاعات باید همپای پیشرفت‌های فناوری پیش رود. در جهان پرداخت در برابر استفاده، قانون سنتی استفاده منصفانه که در آن، استفاده منصفانه به عنوان دفاعی در برابر تخطی از حق مؤلف عمل می‌کند، ممکن است برای ایجاد اطمینان از اینکه استفاده منصفانه، به سادگی در دسترس قرار گیرد نارسا بوده و یا بسط استفاده منصفانه، از دفاع قانونی به حق قانونی، مورد نیاز باشد.

منابع

1. *American Geophysical Union V. Texaco, Inc.*, 802 F. Supp. 1 (S. D. N. Y.), affirmed 37 F.3d 882 (2d Cir. 1994).

2. Campbell, Jerry. "Copyright, Public Policy, and Digital Libraries; Searching for First Principles". *Copyright, Public Policy, and the Scholarly Community*, ed. Michael Matthews and Patricia Brennan, Washington, DC: Association of Research Libraries, 1995, P.2.

3. Erickson, John. "A Copyright Management System for Networked Interactive Multimedia". *Electronic Publishing and the Information Superhighway: Proceedings of the Dartmouth Institute for Advanced Graduate Studies*.

Information Infrastructure: The Report of the Working Group on Intellectual Property Rights. Washington, DC: Information Infrastructure Task Force, 1995, pp.177-200. Also known as "The White Paper". [on-line]. Available: <http://www.upsto.gov/web/ipnii/>.

10. Linn, R. J. "Copuright and Information Services in the Context of the National Research and Education Network". ***Technological Strategies for Protecting Intellectual Property.*** Annapolis, MD: Interactive Multimedia Association, 1994. [on-line]. Available: gopher://gopher.cni.org:70/00/cniftp/miscdocs/ima.ip-workshop/index.

11. Perritt, Henry. "Permission Headers and Contract Law". ***Technological Strategies for Protecting Intellectual Property.*** Annapolis, MD: Interactive Multimedia Association, 1994, P.27. [on-line]. Available: gopher://gopher.cni.org:70/00/cniftp/miscdocs/ima.ip-workshop/Index.

12. "Report of the AAU Task Force on Intellectual Property Rights in an Electronic Environment". (April 1994). [on-line]. Available: <http://ark.cni.org/aau/IPOTC.html>.

13. 17 U.S. Code 107 (1) - (4). The four factors are the purpose and character of the use, the nature of the copyrighted

Boston, MA: Birkhauser, 1995. P. 259.

4. Ibid. "Can Fair Use Survive our Information-based Future?". [on-line]. Available: gopher://gopher.cni.org:70/00/cniftp/miscdocs/ima.ip-workshop/index.

5. For a good analysis of the Potential implications of Texaco an university research, see Harper, Georgia, Professional Fair Use After Texaco, [on-line]. Available: <http://gold.utsystem.edu/OCG>.

6. For on overview of the issues raised and not resolved by the Texaco appellate decision, see Wiant, Sarah k., Appendix 1: American Geophysical Union, et al. v. Texaco Inc., in ***Copyright, Public Policy, and the Scholarly Community,*** Washington, DC: Association of Research Libraries, 1995, P.43.

7. Griswold, Gary. "A Method for Protecting Copyright on Networks". ***Technological Strategies for Protecting Intellectual Property,*** Annapolis, MD: Interactive Multimedia Association, 1994, P.169.

8. Harper, Georgia. "Will We Need Fair Use in the Twenty-First Century?". ***Scholarly Publishing on the Networks: Proceedings of the Fourth Symposium.*** Washington, DC: Association of Research Libraries, 1995, p.195.

9. ***Intellectual Property and the***

MD: Interactive Multimedia Association, 1994, p.63. [on-line]. Available: [gopher://gopher.cni.org:70/00/cniftp/miscdocs/ima.ip-workshop/index](http://gopher.cni.org:70/00/cniftp/miscdocs/ima.ip-workshop/index).

15. "White Paper Executive Summary". [on-line]. Available: <http://www.uspto.gov/web/ipnii/execsum.html>.

work, the amount and substantiality of the work used, and the effect of the use on the potential market for the work.

14. Upthegrove, Luella. "Intellectual Property Header Descriptors: A Dynamic Approach". *Technological Strategies for Protecting Intellectual Property*. Annapolis,

تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۵/۴

